

شاخص تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مورد حق بر اداره خوب

سارا رسولی^۱

ایرج رضایی نژاد^۲

چکیده

مفهوم «تعهد» در گفتمان حقوق بشر معاصر به صورت تعهد به نتیجه و تعهد به وسیله پیش‌بینی شده است. در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها، متعهدان اصلی تحقق حقوق بشر از طریق قانون‌گذاری، فراهم کردن بستر مناسب اجرا و پیش‌بینی سازوکار مؤثر اجرایی در نظر گرفته شده‌اند. دیگر اسناد حقوق بشری هم دارای ادبیاتی تعهدمحور نسبت به دولت‌هایند. رویکرد فعالان حقوق بشر نیز بر این متمرکز شده که مسئولیت رعایت حقوق بشر یا نقض آن متوجه دولت‌هاست؛ زیرا دولت‌ها بیش‌ترین ابزار و امکانات را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و حمایت و تحقق آن در اختیار دارند.

جامعه بین‌المللی از همه دولت‌ها با وجود اختلاف در نظام حکومتی و رعایت استقلال آن‌ها می‌خواهد که حقوق بشر را رعایت کنند. در حوزه حقوق اداری چون مقامات و دستگاه‌های اداری از اختیارات و صلاحیت‌های زیادی برخوردارند، تعهدات حقوق بشری دولت‌ها اهمیت بیش‌تری می‌یابد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است و در پی پاسخ به این پرسش هستیم که دولت‌ها در حوزه حقوق بشر اداری به رعایت چه موازینی مکلفند؟ و رویه قضایی در تضمین حق بر اداره خوب به عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشر اداری چه نقشی دارد؟

واژگان کلیدی: حقوق بشر، تعهدات دولت، حقوق اداری، حقوق بشر اداری، حق بر اداره خوب.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد واحد قائمشهر، مازندران، ایران، s.rassouli@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، مازندران، ایران، (نویسنده مسئول)،

irajrezaeenezhad@gmail.com

مقدمه

در جامعه بین‌الملل طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها، متعهد اصلی اعمال حقوق بشرند. این تعهد از طرفی به شکل تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه و از طرف دیگر به شکل تعهد سلبی و ایجابی فرض شده است. مسئله مهمی که در خصوص تحقق حقوق بشر وجود دارد، شرایط نابرابر کشورهاست. قدرت اقتصادی و نظامی، توسعه‌یافتگی، شرایط جغرافیایی، جمعیت و اقتصاد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و همین امر موجب تفاوت در میزان تحقق حقوق بشر شده است.

قوانین و سیاست‌های یک کشور می‌تواند در تأمین و تضمین حقوق بشر تأثیری بسزا داشته باشد. قانون‌گذاری مناسب و اجرای قوانین درست و عادلانه می‌تواند حقوق بشر را تضمین کند. یک نظام قضایی قوی و مستقل از سیاست‌ها و تبعیض‌ها می‌تواند در حفظ و اجرای حقوق بشر نقش مهمی ایفا کند. این نظام باید به آزادی و عدالت دسترسی برای همه افراد توجه کند. وجود نهادهای داخلی و بین‌المللی شامل سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌ها و نهادهای مربوط می‌تواند در ایجاد فشار بر کشورها برای احترام به حقوق بشر نقش داشته باشد. هم‌چنین آموزش و اطلاع‌رسانی درباره حقوق بشر و آموزش مهارت‌های لازم برای اداره کشور و سازمان‌های اجرایی می‌تواند به فهم بهتر و اجرای مناسب حقوق بشر در کشورها یاری برساند. مشارکت مردم نیز در خلق سیاست‌ها و تصمیمات مربوط به حقوق بشر اهمیت زیادی دارد. همه این موارد، مستلزم وجود شرایطی اولیه است تا در بستر مناسب، زمینه تحقق حقوق بشر را فراهم آورد. شاخص‌های مهمی که در این بستر باید به آن‌ها توجه کرد، عواملی چون ساختار حکومت، توانایی و رضایت یا دموکراسی است.

خاستگاه اولیه مفاهیم حقوق بشری، نظام داخلی کشورهاست و در واقع، در فرهنگ، مذهب یا حقوق موضوعه کشورها ریشه دارند، ولی به لحاظ توجه خاص جامعه بین‌المللی به این عرصه منتقل شده‌اند. نظام حقوق بین‌الملل تلاش کرده است که حداقل مشترکات تمام نظام‌های ملی را در نظر بگیرد و آن را ارتقا بخشد. داشتن رویه ناسازگار با موازین حقوق بشری موجب مسئولیت دولت‌ها می‌شود. دادگاه‌های ملی به عنوان ناظر برخاسته از نظام حقوق داخلی، نه تنها به عنوان

پاره‌ای از حاکمیت، مکلف به رعایت بشزند، بلکه برای حفظ مصلحت کشور و جلوگیری از هر اقدامی که منافع ملی و استقلال کشور را به خطر می‌اندازد، می‌توانند با بهره‌مندی از توانایی‌های قضایی خود و رعایت موازین حقوق بین‌الملل عام و خاص، سطح عدالت داخلی را ارتقا بخشند و موجب هم‌گرایی دو نظام حقوق ملی و بین‌المللی شوند.^۱

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، تعهدات مربوط به حقوق بشری را به سه دسته تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به اجرا تقسیم کرده است. می‌توان ادعا کرد این گونه‌شناسی بیش از هر چیز، دیوار ضخیم تفاوت‌انگاری‌ها بین این دو نسل از حق‌ها به ویژه از نظر سلبی و ایجابی بودن را فرو شکسته است. به اجمال می‌توان تعهد نخست را تعهد دولت به دخالت نکردن و عدم تعرض، تعهد به حمایت را تعهد دولت به جلوگیری از تعرض دیگران به حقوق فرد و تعهد به اجرا را به معنای تکلیف دولت به انجام برخی اقدام‌ها به حساب آورد. هر یک از حق‌ها، فارغ از تعلق به هر یک از نسل‌های حقوقی می‌تواند مستلزم تعهد به سطح نخست یا سطح‌های بالاتر باشد. این در حالی است که سطح نخست با ترک فعل دولت محقق می‌شود و سطوح دیگر، انجام اقدام‌های ایجابی را لازم می‌سازد.^۲

حقوق اداری به صورت اخص و به دلیل سازوکارها و ملاحظات خاص خود می‌تواند گزینه مناسبی برای اجرایی کردن حقوق بشر تلقی شود. فصل مشترک حقوق اداری و حقوق بشر، تضمین اعمال قدرت به صورت عادلانه است. از دیگر نکات زیربنایی و مشترک بین این دو شاخه از علم حقوق می‌توان به ارزش‌هایی چون استقلال، کرامت، احترام، شأن و مقام و امنیت اشاره کرد. این ارزش‌ها می‌توانند در قالب اصول حقوقی از طریق محاکم و رویه‌های قضایی نمود پیدا کنند.^۳

حقوق بشر در تجلی معاصر خود، مجموعه‌ای از حقوق فردی و جمعی است که از زمان اعلامیه جهانی

۱. سلیمی، صادق و جبار عیسی‌ایان، «هم‌گرایی موازین حقوق بشری ملی و بین‌المللی در پرتو آرای دادگاه‌های ملی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و سوم، شماره ۳، ۱۴۰۲، ص ۱۵۶۴.

۲. اسماعیلی، محسن و حسین امینی‌پژوه، «تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دانش حقوق عمومی، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۳۹۵، ص ۷۷.

۳. حقیقی، حسن و همکاران، «تأثیر موازین حقوق بشر بر فرآیند رسیدگی قضایی با تأکید بر نظام حقوقی انگلستان و استرالیا»، مطالعات حقوق عمومی، انتشار آن‌لاین، ۱۴۰۱، ص ۱۳.

حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به طور رسمی از طریق قوانین بین‌المللی و داخلی حمایت و ترویج شده است. از زمان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر که تعداد فزاینده‌ای از دولت‌های ملی عضو آن هستند، معاهدات بین‌المللی متعددی درباره حقوق بشر منتشر شده است که محتوای اصلی حقوق بشر را در دسته‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوق هم‌بستگی عنوان می‌کنند.^۱

بر پایه دگرگونی‌های تاریخی در زمینه حقوق بشر، تاکنون سه «دسته» یا سه «نسل» از حقوق به رسمیت شناخته شده است. نسل یکم حقوق بشر که «حقوق مدنی و سیاسی» را در نظر می‌گیرد، بر پایه اصل آزادی انسان و بهره‌مندی وی از حقوق اساسی استوار شده است. «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» به عنوان نسل دوم حقوق وارد ادبیات حقوق بشر شد و سپس در روند رو به گسترش انسانی شدن حقوق بین‌الملل و بین‌المللی شدن حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر سر برآورد.^۲

نظریه‌های مختلفی در خصوص این تعهدات ارائه شده است. اول، رویکرد تعهد به وسیله یعنی دولت صرفاً در چارچوب وسایل و امکاناتی که در اختیار دارد، بایست حق‌های شهروندان را رعایت و تضمین کند و فراتر از آن تکلیفی ندارد. دوم، رویکرد تعهد به نتیجه. بر این اساس، هیچ عذری از دولت در تضمین نشدن حق‌های رفاهی و اجتماعی پذیرفته نیست. سوم، رویکرد تعهد به نتیجه رو به تزاید. بر این مبنا، معیار سنجش عملکرد دولت در تضمین حق‌های رفاهی شهروندان، تلاش و برنامه‌ریزی است که می‌تواند با ابزارهایی چون قانون‌گذاری محقق شود. در واقع، در این چارچوب، عملکرد دولت در یک بازه زمانی سنجیده می‌شود، نه با طرح دعوای یک شهروند. در پیش گرفتن چنین رویکردی افزون بر آن که منطقی و عادلانه است، با رویکرد اسناد بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز منطبق است.^۳

«اداره خوب»، یکی از مفاهیم مدرن حقوق اداری است که در منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا به

1. landman, Todd, *The Scope of Human Rights: From Background Concepts to Indicators*, Human Rights Centre. March. Colchester, Uk, 2005, p. 2.

۲. مولایی، یوسف، «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره پنجاه و ششم، ۱۳۸۱، ص ۵۰.

۳. عارفی، مرتضی، «تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در حوزه پیش‌گیری اجتماعی از جرم»، دانش سیاسی، سال هفدهم، شماره ۲۳، ۱۴۰۰، ص ۲۴۷.

عنوان یکی از حق‌های اساسی شهروندان مطرح شده و سپس در قانون اروپایی رفتار خوب اداری و برخی مصوبات کمیته وزیران شورای اروپا تبیین گردیده است. این مفهوم متضمن برجسته‌ترین و پیشرفته‌ترین حقوق و اصول حاکم بر نظام‌های حقوق اداری است که اجرای آن‌ها در اداره‌های دولتی می‌تواند نقشی بسزا در تأمین حقوق شهروندی داشته باشد.^۱

در خصوص پیشینه پژوهش نیز باید گفت زهره رحمانی در «مطالعه تطبیقی حق اداره خوب در کد اروپایی رفتار خوب اداری و نظام حقوقی ایران با تأکید بر دو اصل قانونی بودن و تناسب» به این نتیجه رسیده که کد اروپایی به رفتار خوب اداری به صراحت اشاره کرده است. محمدجواد حسینی و حسن خسروی در مقاله «سرآغازی بر حقوق بشر اداری»، حقوق بشر اداری را مفهومی نوین دانسته که در پی پشتیبانی حقوق افراد در برابر اداره است. حقوق بشر اداری در پی سامان‌دهی و شکل‌دهی رفتار اداره است تا اداره خوب ارمغان آورد و نتیجه گرفته‌اند که حقوق بشر اداری، کمک حال کارگزاران و کارمندان دولت نیز هست. مهرزاد فردوسی و همکارانش در مقاله «تحلیل سازوکارهای حمایت از کرامت انسانی در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا» به بحث کرامت انسانی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حق‌های بشری پرداخته‌اند. در این پژوهش هم بر این امر تأکید شده است که اداره خوب در حقوق اروپا سابقه و قدمت بیش‌تری دارد.

پرسش اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است، این مسئله است که حقوق بشر در ارتباط دولت با مردم در حوزه حقوق اداری و تحقق حق بر اداره خوب چه نقشی دارد؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در حقوق داخلی، مسئله حقوق بشر اداری، موضوعی نوپدید است و به این مسئله در نظام قانون‌گذاری چندان توجه نشده است. در خلأ نبود قانون مدون در حوزه حقوق بشر اداری و حتی قانون عام اداری، رویه قضایی در تدوین و توسعه حقوق بشر اداری نقش مهمی دارد. بررسی رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نشان می‌دهد قضات دیوان به اصول حقوق اداری و نیز برخی حق‌های بشری شهروندان در قبال اداره توجهی ویژه دارند.

امروزه با توجه به پیدایی رشته جدیدی با عنوان حقوق بشر اداری می‌توان از حق‌های بشری با

۱. عطریان، فرامرز، «تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۵، ص ۲۷۲.

محوریت حقوق شهروندان در برابر اداره صحبت کرد. حقوقی که از جمله مهم‌ترین مصادیق آن، حق بر اداره خوب است که بر مبنای آن، تصمیمات اداره و مقامات اداری باید تابع یک سری اصول و تشریفات باشند. در غیر این صورت، حقوق مردم در برابر اداره نقض خواهد شد. در این مقاله، به بررسی تعهدات دولت در حوزه حقوق بشر اداری با تأکید بر حق بر اداره خوب خواهیم پرداخت. روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

گفتار اول. عوامل اثرگذار بر اجرای حق‌های بشری

دولت‌ها، متعهد اصلی در اجرای حقوق بشرند و حقوق بشر در جامعه بین‌المللی باید به شکل یکسان تحقق یابد، اما اجرای حقوق بشر به دلیل شرایط نابرابر، در همه کشورها یکسان نیست و تحقق و اعمال آن به طور قابل توجهی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در واقع، اجرای استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر که در اسناد بین‌المللی آمده است، به تعهد و تمایل هر کشور برای پای‌بندی به آن‌ها بستگی دارد.

بند اول. ساختار حکومت‌ها

حقوق بشر دارای ویژگی‌هایی است که باعث نوعی تفکیک و تمایز آن نسبت به دیگر حقوق می‌گردد. در تأملاتی که برای تبیین ساختاری حقوق بشر انجام گرفته است، ویژگی‌هایی را برای آن در نظر می‌گیرند، از جمله: جهان‌شمولی، سلب‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، برابری، اعتبار اخلاقی، بنیادین بودن و اولویت داشتن نسبت حقوق موضوعه. هانا آرنه^۱ در کتاب ریشه‌های تمامیت‌خواهی، مبحث مهمی درباره «حق داشتن حقوق» یا حق برخورداری از حقوق را مطرح می‌کند. به باور او، برای برخورداری از حقوق بشر صرف انسان بودن کافی نیست، بلکه لازم است شخص عضو یک جامعه سیاسی نیز باشد؛ چون فرد تنها در مقام شهروند یک دولت ملی قادر به استیفای حقوق برشمرده در اعلامیه خواهد بود. حق کار، حق آموزش، حق رأی، حق بهداشت و سلامت فقط در چارچوب عضویت در یک جامعه سیاسی معنا می‌یابد.^۲ اگر این

1. Hannah Arendt

۲. دگویر، استفانی و همکاران، حق داشتن، ترجمه: حسین پیران، تهران: فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۹۸، ص ۲۳.

جامعه سیاسی، اقتدار و حاکمیتی مشروع و برآمده از شهروندانش نداشته باشد، قطعاً در رعایت و تحقق حقوق بشر نیز تلاشی نخواهد کرد. بنابراین، اولین مسئله در اجرای حقوق بشر، نوع و سیستم حاکمیتی در کشورهاست.

حقوق بشر، حاکمیت دولت‌ها را از دو جهت در معرض تغییر و تحول قرار می‌دهد. نخست از این جهت که برخی از حقوق بشر (به اتفاق آرا)، جهانی تلقی می‌گردند. این دسته از حقوق بشر از دامنه مشروعیت حاکمیت داخلی همه دولت‌ها می‌کاهند و بر مسئولیت آن‌ها در برابر دولت‌های دیگر می‌افزایند. دوم این‌که افراد بشر را از چنان شخصیتی حقوقی بهره‌مند می‌سازد که بتوانند رویاروی دولت‌ها قرار گیرند.^۱

بند دوم. رضایت دولت و دموکراسی

دموکراسی، ساختاری برای تقسیم و مهار قدرت است. حقوق بشر، جمعی از ارزش‌های انسانی در دنیای مدرن است که در درون رژیم‌های دموکراتیک جریان می‌یابد. حقوق بشر در زمینه دموکراتیک شکل می‌گیرد و به مرور زمان، زمینه خویش را نیز تقویت می‌کند. دموکراسی، فرصت‌ها و امکاناتی را در جامعه ایجاد می‌کند که با استفاده از آن‌ها، حقوق بشر از طریق قوانینی که مردم یا نمایندگانشان تصویب می‌کنند، تضمین می‌گردد. آزادی و برابری که مهم‌ترین ارزش‌های حقوق بشری شناخته می‌شوند، اساس دموکراسی هستند. بیش‌تر شهروندانی که در چارچوب نظام‌های استبدادی زندگی می‌کنند، شعار دموکراسی را برای به دست آوردن آزادی‌های فردی، سرلوحه اعلامیه‌های سیاسی خود قرار می‌دهند. در نظام‌های دیکتاتوری، یک فرد یا گروهی خاص، قدرت سیاسی و اقتصادی را در قبضه خویش دارند، اما در دموکراسی، ایدئال این است که همه در مقابل قانون برابرند؛ یعنی از لحاظ نظری، همه به یک نسبت به قدرت دسترسی دارند. از این رو، دموکراسی را نظام برابری می‌شمارند.

در واقع، مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی و اداره امور عمومی، انتخابات آزاد، منصفانه و عادلانه برای برگزیدن مقامات عمومی، برابری سیاسی شهروندان، اعمال نظارت اساسی (سیاسی، قضایی و اداری) بر اعمال حکومت و محدود شدن آن به وسیله قانون و آزادی رسانه‌ها از عناصر دموکراسی

1. Clunan, Anne L., "Redefining Sovereignty: Humanitarianism's Challenge to Sovereign Immunity", in *Negotiating Sovereignty and Human Rights*, (eds) Noha, Shawki, & Michaelene, Cox, Ashgate, 2009.

است.^۱ رژیم‌های دموکراتیک اساساً نه از آن جهت که به مردم اختیار و قدرت می‌بخشند، بلکه از آن جهت که اختیار دادن به مردم بهترین سازوکاری است که انسان تا کنون برای تضمین «همه حقوق بشر برای همه» اندیشیده، مطلوب است.^۲

بند سوم. توانایی و دارا بودن منابع کافی

در کنار دموکراسی، توانایی دولت‌ها هم عامل مهمی در اجرای حقوق بشر است. منابع دولت همان توانایی دولت است. اگر منابع کافی وجود نداشته باشد، نمی‌توان از دولت‌ها انتظار داشت تا سازوکارهای قانونی ضروری برای اعمال حقوق مدنی و سیاسی را به کار گیرند. هم‌چنین نمی‌توان توقع داشت که سیاست‌های پرهزینه مربوط به سلامت، آموزش و اشتغال را که برای تضمین حقوق اقتصادی و اجتماعی ضروری است، اجرا کنند. ثروت ملی در تعیین توانمندی دولت برای ارتقای حقوق بشر نقش مهمی دارد؛ زیرا دولت باید از این منابع برای سیاست‌های مربوط به حقوق بشر استفاده کند. نه تنها برای اعمال حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جهت سلامت، بهداشت و درمان، تغذیه، مسکن و آموزش از منابع دولت استفاده می‌شود، بلکه دولت‌ها برای تحقق حقوق مدنی و سیاسی هم به منابع مالی نیاز دارند. اجرای حقوقی مثل حقوق مربوط به انتخابات آزادانه، حقوق زندانیان و دادرسی منصفانه نیز مستلزم داشتن توانایی مالی از سوی دولت‌هاست.

باید دانست همه کشورهای ثروتمند که بر حسب تولید ناخالص ملی ارزیابی می‌شوند، لزوماً در تأمین نیازهای شهروندان‌شان بهتر عمل نمی‌کنند.^۳ بی‌شک، اعمال حقوق بشر به تعهد و رضایت دولت و سیاست دولت در خصوص عدالت برای طبقات اجتماعی هم‌بستگی دارد. در واقع، برخی کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته با منابع اقتصادی کم‌تر مانند کوبا و جزیره موریس، در تأمین نیازهای شهروندان‌شان خیلی بهتر از کشورهای توانمند عمل کرده‌اند. بعضی از مطالعات نشان می‌دهند که سطح توسعه اقتصادی اساساً با حقوق تمامیت جسمانی یا حقوق امنیتی مرتبط است. به

۱. نک: بستانی، محمدحسین و اسدالله یآوری، «بایسته‌های دولت کارآمد؛ مطالعه موردی دولت لیبرال مدرن»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۲، ص ۴۳۹.

۲. دانلی، جک، «حقوق بشر، دموکراسی و توسعه»، ترجمه: نورمحمد نوروزی و سیروس فیضی، راهبرد، شماره ۴۴، ۱۳۸۶، ص ۷۱.

3. Bruce E. Moon & William j. Dixon, "Basic Needs and Growth - Welfare Trade-offs", International Studies Quarterly, 36,2: 191-212, June, 1992, p. 202.

تعبیر دیگر، انتظارات رو به افزایش، تنش‌های اجتماعی و سیاسی مربوط به مشکلات اقتصادی، این احتمال را افزایش می‌دهد که حکومت‌ها به روش‌های سرکوبگرانه در مقابل شهروندان متوسل شوند. از این رو، بین سطح اقتصاد و اجرای حقوق بشر، ارتباطی نیرومند وجود دارد.^۱

گفتار دوم. حقوق بشر اداری؛ ضرورت کاربست حقوق بشر در روابط اداره و مردم

گسترش تعاملات اداره‌کنندگان و اداره‌شوندگان در جوامع مدرن امروزی سبب دخالت بیش از حد دولت در امور جامعه و محدودسازی حوزه حقوق خصوصی و گسترش حوزه حقوق عمومی و افزایش عملکرد دولت‌ها شده است. این فراخی عملکرد، نیازمند حمایت هر چه بیش‌تر از حقوق شهروندان در برابر اداره و مقامات اداری و به صورت کلی، قدرت عمومی است.^۲ بنابراین، حقوق بشر اداری، یکی از رشته‌های مهمی است که در جهت تضمین حقوق شهروندان به آن توجه می‌شود.

بند اول. مفهوم حقوق بشر اداری

کارویژه حقوق اداری، کنترل و محدود کردن قدرت دولت و تنظیم روابط میان اداره‌کنندگان و اداره‌شوندگان در جهت تعالی حقوق انبای انسانی و رعایت کامل حقوق شهروندی در یک جامعه دموکراتیک شهروندمحور است. حقوق اداری نوین، ملزم به رعایت هنجارها و قواعد جدیدی است که از لازم‌الرعايه بودن حقوق شهروندان ریشه گرفته و مطالعه حقوق اداری را دارای ابعاد جدیدی ساخته است. در دوران معاصر، نظاره‌گر ظهور مفاهیمی تازه‌رسته هستیم که حقوق اداری، ملزم به تطبیق داده‌های خویش با این قواعد جدید، به ویژه مفاهیم مورد بحث در حقوق بشر و حقوق شهروند است. حقوق بشر اداری، سلسله هنجارهای حاکم بر اداره و جاری در میان اداره‌کنندگان و اداره‌شوندگان است که در حقوق بنیادین انبای انسانی ریشه دارد و اداره را به رعایت این حق‌های بشری در رابطه خود با شهروندان و محدود نساختن آن‌ها هنگام خدمات‌رسانی عمومی یا برقراری نظم عمومی ملزم می‌سازد. این قواعد، هر دو جنبه تنظیم‌کنندگی و تضمین‌کنندگی را هم‌زمان داراست و دامنه اختیارات و حدود و صلاحیت‌های خود را در رابطه با شهروندان از منظر حقوق بشر

1. Conway Henderson, *Population Pressures and Political Repression*, 74 Soc. Su. Q. 322, p. 327.

۲. خسروی، حسن و محمدجواد حسینی، «سرآغازی بر حقوق بشر اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۹.

تنظیم و رعایت این حقوق را برای شهروندان تضمین می‌کند که این امر، زاده گسترش و نفوذ حقوق بشر در تمامی ارکان و لایه‌های حکومت است.

همانا حقوق بشر و قواعد آن محدود به رعایت از جانب حاکمان نیست، بلکه تمامی دستگاه‌های اداری و اجرایی یک حکومت نیز ملزم به رعایت این حقوق هستند. حقوق بشر اداری به دنبال حمایت هر چه بیش‌تر از افراد در برابر اداره و قوای حکومتی است. از این رو، بنیان خود را بر دفاع از حقوق شهروندان در برابر قدرت عمومی و اداره استوار می‌کند. حقوق بشر اداری، مفهومی تازه در سلسله مباحث حقوق بشر است که از نظرگاه حقوق بشر به کارویژه‌های اداره و قواعد حاکم بر آن می‌نگرد. حقوق بشر اداری و قواعد آن از مفاهیم مدرن حقوق اداری است که با افزایش کارویژه‌های اداره و پیچیده‌تر شدن روابط مردم و اداره پدیدار گردیده و اهمیت آن به خاطر اقتداری است که اداره دارد و از قدرت عمومی ریشه می‌گیرد.^۱

در ماده ۴۱ منشور حقوق اساسی اروپا، به حق بر اداره خوب تصریح شده است و این ماده در اساسی‌سازی حقوق اداری نقش مهمی دارد.^۲ از همین رو، معاهده اروپایی حقوق بشر، سند بنیادین حقوق بشر در سطح اتحادیه اروپا شناخته شده است. این سند مبتنی بر حقوق نسل اول بشر است، اما از خلال برخی مواد معاهده مانند ماده ۸ معاهده (حق بر حریم خصوصی)، از حقوق اشخاص در برابر اداره نیز دفاع می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق اداری در سطح اتحادیه اروپا مورد توجه است.^۳

بند دوم. اداره خوب؛ چرایی و چیستی

اداره خوب،^۴ یکی از مفاهیم نوین است و بر بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق اداری معاصر اثر گذاشته است که به «آیین‌های اداری» و چگونگی به‌کارگیری «صلاحیت‌های اختیاری» در فرآیند

۱. همان، ص ۱۷.

2. Klara ka, Nska, **Towards Administrative Human Rights in the EU. Impact of the Charter of Fundamental Rights**, *European Law Journal*, Volume 10, Issue 3, 2004, p. 297.

3. Tina, Sever, **Procedural safeguards under the European convention on human rights in public (administrative) law matters**, *European Association Comenius (EACO)*, 2018, p. 10.

4. Right to good administration

تصمیم‌گیری توسط مقامات اداری مربوط می‌شود. به طور خلاصه، بر اساس ایده «اداره خوب»، تصمیمات اداری باید مستدل باشد و مقام تصمیم‌گیرنده مکلف است که با ارائه دلایل و مستندات کافی، تصمیمات خود را توجیه کند. هم‌چنین شهروندان، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی را دارند که بر حقوق، آزادی‌ها و منافع آن‌ها اثر می‌گذارد.^۱

نقش اصلی نظریه اداره خوب، تضمین مستدل بودن تصمیم‌گیری اداری با تکیه بر ارائه دلایل و مستندات کافی از سوی مقامات اداری مسئول است.^۲ همین امر موجب می‌گردد شهروندان به طور غیر مستقیم از حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی برخوردار شوند که بر حقوق و آزادی‌های آن‌ها اثر مستقیم می‌گذارد تا منافع آن‌ها در نتیجه تصویب و اجرای تصمیمات اداری یادشده تضییع نگردد. نظریه اداره خوب علاوه بر تضمین اعمال اصل حاکمیت قانون در تصویب و اجرای تصمیمات اداری به کیفیت اجرای این تصمیمات نیز توجه دارد. به طور کلی، اداره مطلوب مستلزم احترام دولت به حقوق بشر، اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است.^۳

بند سوم. جایگاه حق بشری «حق بر اداره مطلوب» در حقوق اداری ایران

هرچند تعریف دقیقی برای حق اداره خوب وجود ندارد و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است، اما می‌توان اداره خوب را ابزاری برای تحقق حاکمیت قانون و تقویت شفافیت و کارآمدی در ادارات دانست. منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، این اصل را یکی از حقوق بنیادین افراد دانسته است. البته دادگاه‌های اتحادیه اروپا، بین مؤلفه‌ها و محورهای فرعی این اصل برای ایجاد درک درستی از ویژگی‌های آن تمایز قائلند. به طور کلی، به اداره خوب، بیش‌تر در چارچوب قوانین و مقررات رویه‌ای ایجادشده در حوزه حقوق اداری استناد می‌شود. در مفهوم گسترده‌تر، چون اقدامات اداری نه فقط از نظر رویه‌ای باید کارآمد و مؤثر باشند، بلکه از جنبه ماهوی نیز باید صحیح باشند، اداره خوب را می‌توان به معنای مشروعیت دولت درک کرد. بنابراین، مفهوم اداره خوب را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای در

۱. هداوند، مهدی و علی مشهدی، اصول حقوق اداری، تهران: خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.

۲. Mendes, Joana, "Good administration in EU law and the European Code of Good Administrative Behaviour", 2009.

۳. جمشیدی، علی‌رضا و آرین پتفت، «حقوق شهروندی در پرتو آیین‌های نوین اداری»، اخلاق زیستی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۵، ص ۳۳.

نظر گرفت که هم اصول ماهوی و هم اصول رویه‌ای را در خود جای می‌دهد. بر این اساس، نظام مطلوب اداری، تضمین‌کننده مشروعیت و نیز کیفیت تصمیمات اداری است. در این نظام، حقوق شهروندان تضمین می‌گردد و به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اداری تشویق می‌شوند.^۱

مراجع عمومی و ادارات دولتی به تدریج، افزون بر وظایف سنتی خود مبنی بر برقراری نظم و اجرای قانون به طور فزاینده‌ای متولی ارائه طیفی گسترده از خدماتی شده‌اند که هدف آن، تضمین رفاه شهروندان و بهبود وضعیت اجتماعی جامعه است. در این راستا، اشخاص حقیقی و حقوقی در رسیدگی‌های اداری در مقابل نهادها و ادارات دولتی، طرف ضعیفی هستند و ادارات، قدرت اداری خود را که برگرفته از حاکمیت دولت است، بر آن‌ها تحمیل می‌کنند. اداره مطلوب بایستی مبتنی بر اصولی باشد که به عنوان مبنایی برای فعالیت‌های نهادهای اداری، حقوق و منافع شهروندان را در رویارویی با نهادهای اداری تضمین کند. اداره مطلوب مستلزم احترام دولت به حقوق بشر، اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است.^۲

در نظام حقوقی ایران نیز مفهوم حق بر اداره مطلوب به صورت پراکنده در اصول متعدد قانون اساسی نظیر بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی با عنوان «ایجاد نظام اداری صحیح»، قانون مدیریت خدمات کشور مصوب ۱۳۸۶، سیاست‌های کلی نظام اداری مصوب ۱۳۸۹ و دیگر قوانین آمده است. این حق به عنوان یک حق مستقل برای اولین بار در منشور حقوق شهروندی تصریح شده است. قسمت «ث» منشور حقوق شهروندی در قالب ۶ ماده از ماده ۱۹ تا ۲۴ به حق بر اداره شایسته و حسن تدبیر اختصاص یافته است. مفاد منشور، یک سند حقوقی الزام‌آور نیست، ولی به عنوان یک سند راهنما، حاوی نکاتی مترقی است و انتظار می‌رود در آینده در ترسیم خطوط اصلی نظام حقوقی کشور، جایگاهی شایسته پیدا کند. در ماده ۲۴ آن از مواردی مانند رعایت اخلاق حسنه، راست‌گویی، درست‌کاری، توجه به وجدان و پرهیز از تندروی نام برده شده است که عمدتاً جنبه اخلاقی دارند تا حقوقی. چون مفهوم حق بر اداره مطلوب مبتنی بر اصل حاکمیت قانون است و بایستی مبتنی بر معیارهای عینی باشد، ذکر این موارد با منطق حقوق چندان منطبق نیست.^۳

۱. رحمانی، زهره، «مطالعه تطبیقی حق اداره خوب در کد اروپایی رفتار خوب اداری و نظام حقوقی ایران با تأکید بر دو اصل قانونی بودن و تناسب»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۹، ص ۱۶۹.

۲. جمشیدی و پتفت، پیشین، ص ۲۹.

۳. سلیمی ترکمانی، حجت، «حق بر اداره مطلوب از منظر منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و منشور حقوق شهروندی

گفتار سوم. مصادیق حق بر اداره خوب

حق بر اداره خوب به عنوان یکی از حق‌های بشری، مصادق‌هایی دارد که در این گفتار بررسی می‌کنیم.

بند اول. اصل برابری

رفتار برابر و بدون تبعیض با همه شهروندان در مقابل قانون و وجود تضمین‌های قانون اساسی و واقعی برای حمایت از حقوق بنیادین شهروندان از لوازم ضروری حاکمیت قانون به شمار می‌آید.^۱ در حقوق اداری ایران، اصول ۱۹ و ۲۰ از منابع حقوق داخلی اصل برابری به شمار می‌آیند و بعضاً رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، مبنای صدور آرای ابطالی قرار گرفته‌اند و شهروندان در همه ابعاد حقوقی خصوصاً حقوق اداری باید از این حقوق بشری برخوردار باشند. این در حالی است که اصل حاکمیت قانون از مهم‌ترین ابزار کنترل اعمال مراجع اداری است و به موجب آن، تصمیمات مراجع اداری باید مبنایی داشته باشند.^۲

از نظر حقوق بین‌المللی، شرط منصفانه بودن استماع، تحقق اصل برابری سلاح است که یک شرط اساسی است. این اصل در دادرسی اداری اهمیت زیادی دارد؛ چون طرفین دعوا، اشخاص خصوصی و مراجع اداری هستند. این اصل به معنای تضمین توانایی شخص خصوصی برای مشارکت فعال در دادرسی در راستای تضمین منصفانه بودن آن است. برابری سلاح‌ها مستلزم این است که طرفین دعوا باید به امکانات و تسهیلات در شرایط برابر دسترسی داشته باشند و دو طرف بتوانند در جلسه استماع حضور پیدا کنند.^۳

ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دهم، شماره ۱، ۱۳۹۸، ص ۲۰۵.

۱. امامی، محمد و حمید شاکری، «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۴، ص ۳۰.

۲. حمیدی، علی و حسین آل کجباف، «راهکارهای تقویت نظارت دیوان عدالت اداری و تأثیر آن بر حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره ۲۲، ۱۴۰۰، ص ۷۰.

۳. همتی، مجتبی، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷.

بند دوم. حق بر استماع برای مخاطبان اداره

هنگامی که از استماع در فرآیند تصمیم‌گیری اداری صحبت می‌شود، به صورت مضیق به ارائه و بررسی دلایل و استدلال‌ها اشاره دارد. برای کارآمدتر شدن این حق، دو عنصر دیگر نیز به آن افزوده می‌شود: اطلاع و آگاهی قبلی و ارائه اطلاعات و افشای آن‌ها. این عناصر از چنان ارتباط و پیوندی برخوردارند که بیش‌تر وقت‌ها هنگام استفاده از واژه «استماع»، شامل همه این‌ها می‌شود. اطلاع دادن یعنی این که طرف ذی‌نفع از تصمیم قریب‌الوقوع آگاهی پیدا کند و به او گفته شود راهنمایی‌های لازم نسبت به آن چه در آن تصمیم در مورد او گرفته می‌شود و مبنای تصمیم یادشده اعلام شود. ارائه اطلاعات و افشای آن‌ها نیز به این معناست که هر واقعیت و حقایقی که مربوط به تصمیم می‌شود، برای ذی‌نفع قابل دسترس باشد. در رسیدگی‌های قضایی، منظور از افشا، تبادل اطلاعات و اسناد و لوايح بين طرفين دعواست.^۱

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تضمیناتی برای حق دفاع اندیشیده شده، اما این تضمینات، مخصوص رسیدگی‌های کیفری و قضایی است. با این حال، به دلیل وجود برخی از شباهت‌های ساختاری و کارکردی میان مراجع اختصاصی اداری و دادگاه‌های قضایی می‌توان ادعا کرد که این تضمینات دفاعی را تا حدی که با هدف غیرقضایی کردن این فرآیندها در تغایر نباشد، در مراجع اختصاصی اداری نیز باید اعمال کرد. در بسیاری از رسیدگی‌های مراجع اختصاصی اداری، حق دفاع افراد و امکان شنیدن حرف آن‌ها نادیده گرفته شده است. برای مثال، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، احکام مهمی را صادر می‌کند که نسبت به حقوق و منافع شهروندان اثر مهمی دارد. با این حال، مقررات مربوط به این کمیسیون در خصوص حضور شخصی که پرونده‌اش در کمیسیون مطرح است، امکان دفاع و شنیده شدن سخنان و دلایل او، ساکت است و مطلبی ندارد. با نگاهی به قوانین و مقررات مربوط به مراجع اختصاصی اداری می‌توان ادعا کرد که در بیش‌تر موارد، این حق نادیده گرفته شده است. در بیش‌تر موارد، شخصی که از وی شکایت شده یا به نحوی از انحا، رسیدگی انتظامی یا شبه کیفری علیه او آغاز گردیده است، در طول رسیدگی از طریق رسمی از مفاد رسیدگی مطلع نمی‌شود و تنها نتیجه رسیدگی به وی ابلاغ می‌شود.^۲

۱. فلاح‌زاده، علی محمد، «تحولات حق استماع در حقوق اداری ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱.

۲. رستمی، ولی و همکاران، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی

بند سوم. اصل الزام به ارائه دلایل در مورد تصمیم‌گیری

به طور کلی، هنگامی که تصمیم اداری بر حقوق و منافع شهروندان اثر بگذارد، بیان دلیل، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد. هم‌چنین در صلاحیت‌های اختیاری به دلیل صعوبت تطابق اقدام اداری با متن قانون، ارائه دلایل، ضرورتی دوچندان خواهد داشت؛ چون در غیر این صورت، امکان نظارت قضایی بر اقدام یا تصمیم یادشده ناممکن خواهد بود. به علاوه، دلایل و مبانی آن دسته از تصمیماتی که بر خلاف رویه معمول و سابق اداری گرفته شده‌اند یا آن قسم از اقداماتی که از حد ضرورت خارج شوند و نیز در مواردی که شهروند از مقام دولتی تقاضا کند، باید بیان شود.^۱

آرای قضایی صادرشده از شعبه یا هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در نوع خود شایان توجه و ستایش است و باید در تمام رسیدگی‌های قضایی استفاده شود تا وجود اختیار و صلاحیت در امور اداری به معنای اعمال سلیقه و تصمیم‌گیری بدون دلیل و توجیه تلقی نشود. با این حال، در این گونه آرا، لزوم ارائه دلایل تصمیم به مرجع قضایی پیش‌بینی و تأکید شده و در هیچ کدام از بیان ادله و توجیه‌های قانونی تصمیم اداری به مخاطب یا ذی‌نفع سخنی به میان نیامده است. از این رو، با توجه به کارکرد دوگانه بیان دلایل در تحقق حق دفاع و رسیدگی‌های قضایی، این رویه قضایی در حدی که این اصل را به رسمیت شناخته است، در رسیدگی‌های قضایی مؤثر خواهد بود، اما باید به گونه‌ای در قوانین پیش‌بینی شود که در جهت حق دفاع شهروندان نیز مفید باشد.^۲

بند چهارم. لزوم رعایت اصل تناسب

امروزه به دلیل گسترش موضوعات مبتلابه اداری و زندگی مدرن و نقش پیچیده دولت در جوامع، تعیین تمام جزئیات و شرایط تصمیمات اداری از سوی قانون‌گذاران مقدور نیست. از این رو، در دولت‌های مدرن، اعطای صلاحیت اختیاری، یک شرط اجتناب‌ناپذیر و ضرورت است. با وجود امکان انحراف در اعمال صلاحیت تشخیصی، پیچیدگی‌های نظام‌های مدرن اداری و مدیریتی، اعطای این

دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱.

۱. هداوند و مشهدی، پیشین، ص ۲۰۶.

۲. رضایی‌زاده، محمدجواد و فرامرز عطریان، «اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا»، دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵.

صلاحیت به مأموران دولتی را امری ضروری ساخته است.^۱

یکی از اصول کلی حقوقی، اصل تناسب است که اجازه نمی‌دهد مقامات عمومی با این بهانه که صلاحیت اختیاری دارند، از موقعیت خود سوء استفاده کنند و منافع خصوصی را بر منافع عموم ترجیح دهند. این اصل علاوه بر این که تلاش می‌کند دخالت دولت را به حداقل برساند، به عنوان سپر حفاظتی از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین عمل می‌کند. پیش از هر چیز، اصل تناسب در خدمت محدود کردن قدرت و حراست از آزادی‌هاست. اصل تناسب، اصلی حق مدار است که با در نظر گرفتن دو وجه اعمال وظایف و اختیارات اداری یعنی اقتضائات اداری از یک سو و حقوق و آزادی‌های شهروندان از سوی دیگر بر آن است تا با برقراری توازن مطلوب، اداره خوب و شایسته را برای خدمت به مردم ایجاد کند.^۲ وجود صلاحیت اختیاری از طرفی می‌تواند به افزایش کارآمدی اداره و تأمین بهتر منافع عمومی منجر شود و از طرف دیگر، همواره این تهدید وجود دارد که موجب اعمال نامناسب این قبیل صلاحیت‌ها گردد.^۳

بند پنجم. حق بهره‌مندی از خدمات عمومی

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و تصویب فراگیر پیمان‌ها و کنوانسیون‌های متعدد حقوق بشری نشان‌دهنده فرآیند جهان‌شمولی حقوق بشر است. نقش دولت یا بخش عمومی به منزله ارائه‌کننده خدمات عمومی یا تنظیم‌کننده ارائه خدمات خاص برای درک همه حقوق بشر از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیاتی است. رویکرد حقوق بشر پایه برای خدمات عمومی به منظور طراحی، توزیع، اجرا و نظارت بر همه تدارکات خدمات عمومی ضرورت دارد.^۴

بسیاری از مصادیق حقوق بشر بدون ارائه خدمات متناسب از سوی دولت‌ها تأمین نخواهند شد

۱. جلالی، محمد و مریم کریم جوزانی، «صلاحیت تشخیصی و کنترل‌پذیری آن در حقوق اداری (از منظر حقوق بنیادین و اقتضائات دولت‌مدرن)»، در: تکاپوی حقوق عمومی، تهران: جنگل، ۱۳۹۳، ص ۶۲۳.

۲. مرادی برلیان، مهدی، اصل تناسب در نظام حقوق اتحادیه اروپایی با نگاهی بر آرای دیوان عدالت اداری، تهران: خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۹۵.

۳. اصفهانی، بابک و صابر نیاورانی، «کاربست اصل تناسب در حقوق عمومی، ابزار و سنجه نظارتی در پیش‌گیری از فساد اداری و مبارزه با آن»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال دهم، شماره ۳۳، ۱۴۰۱، ص ۱۵.

۴. رحیمی، رئوف، «مسئولیت دولت و بخش خصوصی در قبال حقوق بشر»، فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۵۹، ۱۳۹۷، ص ۶۹.

و دولت‌ها در این خصوص مسئولیت دارند؛ چون تأمین بسیاری از مصادیق حقوق بشر نه تنها به صرف تضمین اصل آزادی و مخصوصاً آزادی‌های اقتصادی و بازاری حاصل نخواهد شد، بلکه لازم است که دولت‌ها به ارائه خدمات عمومی بپردازند یا بر ارائه آن توسط بخش خصوصی، نظارتی فعال اعمال کنند. در واقع، تأمین بسیاری از مصادیق حقوق بشر با ارائه خدمات عمومی ملازمه و هم‌بستگی دارند. بر این اساس می‌توان گفت حمایت از حقوق بشر در بیش‌تر موارد، جزئاً یا کلاً به ارائه خدمات عمومی وابسته است. بنابراین، در کنار تضمین قضایی حقوق بشر می‌توان بحث ارائه خدمات عمومی را نوعی تضمین اجرایی حقوق بشر دانست؛ چون در عصر نوین، دولت‌ها تنها به دخالت نکردن در زندگی شهروندان متعهد نیستند، بلکه موظفند اجرای حقوق را نیز تضمین کنند.^۱ از این رو، بهره‌مندی از خدمات عمومی برای شهروندان، یک حق و ارائه خدمات یادشده توسط دولت، تکلیفی است که باید توسط ادارات و سازمان‌های دولتی به رسمیت شناخته شود.

گفتار چهارم. نقش رویه قضایی به عنوان تضمین‌کننده حق بر اداره خوب

حفاظت از حقوق بشر شهروندان یک جامعه از جمله وظایف دولت آن جامعه است، به نحوی که میزان تلاش و موفقیت هر دولت در حراست از این حقوق، نوعی معیار سنجش برای ارزیابی مشروعیت آن تلقی می‌گردد. در این میان، دستگاه قضایی هر جامعه‌ای نیز به عنوان مرجع دادخواهی شهروندان نقشی اساسی دارد و بدون عملکرد موفق آن در پی‌گیری نقض احتمالی حقوق بشر شهروندان یک جامعه نمی‌توان امید چندانی به تضمین رعایت حقوق بشر در جامعه یادشده داشت.^۲

اصول عدالت رویه‌ای الزاماً به عنوان راهنمایی عمل می‌کنند که دادگاه‌ها با استناد به آن می‌توانند مشخص کنند که آیا تصمیم‌گیرندگان، صلاحیت تفویض شده را به صورتی که مورد نظر پارلمان بوده است، اعمال کرده‌اند یا خیر؟ هدف پیش‌فرض اصلی از تصویب چنین قوانینی بر اساس اصول کلی حقوق این است که قدرت به صورت عادلانه و شفاف توزیع گردد. این مهم به عنوان یک فرهنگ

۱. نجارزاده هنجنی، مجید، «تحلیل خدمات عمومی از منظر حقوق بشر؛ حق بهره‌مندی از خدمات عمومی»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۷، ۱۴۰۰، ص ۲۱۸.

۲. اقبالی، کیوان، «نقش دستگاه در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۴، ۱۴۰۰، ص ۶۱.

به دو حوزه حقوق اداری و حقوق بشر نفوذ کرده است.^۱ برخی از اصول حقوق اداری در حوزه حقوق بشر اداری مطرح و توسعه یافته‌اند، از قبیل اصل حق بر دفاع، دسترسی به اطلاعات، اصل برابری، اصل استماع، اصل شفافیت، اصل تناسب، انتظارات مشروع و حق بر حریم خصوصی.^۲

عدالت رویه‌ای در حقوق اداری، روابط بین دولت و مردم را مدیریت می‌کند. تضمین دسترسی به عدالت از طریق دادگاه‌های اداری به تقویت حکومت قانون می‌انجامد. دسترسی به عدالت، حق بر استماع، لزوم پاسخ‌گویی به شهروندان و نیز جبران خسارات وارد شده به اشخاص از جمله مواردی هستند که در دستور کار ۲۰۳۰ ملل متحد برای توسعه پایدار به آن‌ها توجه شده است. بنابراین، رعایت حقوق بشر اداری در سطح دادرسی اداری در نهایت، منجر به تحقق حق بر اداره خوب شده است.^۳

رویه قضایی در ارائه اصول حقوق اداری برای خنثی‌سازی بلاتکلیفی عملی حقوق و پر کردن فضاهای خالی میان احکام پیش‌بینی شده در قانون نقش اساسی دارد. اصول حقوقی با تمام منابع حقوقی از جمله رویه قضایی رابطه متقابل دارد. این اصول، راهنمای قضات در تفسیر قانون در موارد ابهام، اجمال و نقایص قانونی و گاه، نقد رویه قضایی است و در مقابل، رویه قضایی در خلق و احراز اصول پنهان حقوقی، نقش بارز ایفا می‌کند. از طرفی، تصمیمات قضات وقتی در طول زمان به رویه قضایی تبدیل می‌شوند که بر اساس اصول حقوقی گرفته شده باشند. به علاوه، از میان آرای که از دادگاه‌های معارض صادر و بعد در هیئت عمومی دیوان کشور مطرح می‌شود، آن رأی به عنوان وحدت رویه شناخته می‌شود که از اصول حقوقی دور نباشد. بنابراین، اصول حقوقی، راهنمای کلی است برای آرای قضایی و در نتیجه، پایه‌ای است برای رویه‌های قضایی.^۴

۱. ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، نشریه حقوق اساسی، تهران، شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸.

۲. هداوند، مهدی و علی مشهدی، اصول حقوق اداری در پرتو آرای دیوان عدالت اداری همراه با مطالعه تطبیقی، تهران: خرسندی، ۱۳۹۵، ص ۳۰.

3. Fierro, Ana, *Administrative Burdens in Access to Justice, the Case of the Mexican Administrative Courts*, UNI-SANTA Law and Social Science, Vol. 12, N. 1, 2023, p. 159.

۴. تاری‌وردی، صادق و علی محمد فلاح‌زاده، «نقش رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در توسعه اصول حقوق اداری از منظر حقوق بشر»، حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۹، ص ۵۰۳.

بند اول. اصل برابری در رویه قضایی دیوان عدالت اداری

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس دادنامه شماره ۴۳۰-۴۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱ چنین بیان می‌کند: «نظر به این‌که در ماده ۵۶ آیین‌نامه استخدامی جهاد دانشگاهی مقرر شده هر یک از اعضای جهاد به ازای یک سال خدمت، از ۳۰ روز مرخصی استحقاقی با استفاده از حقوق و مزایای مستمر برخوردار خواهند بود و در ماده ۵۸ آیین‌نامه مذکور، استفاده از مرخصی استحقاقی به تقاضای کتبی عضو و کسب موافقت سرپرست مربوط، قبل از شروع مرخصی موکول شده و احکام مذکور با احکام مقنن در قانون استخدام کشوری و سایر مقررات استخدامی، مشابهت کامل دارد و هیئت عمومی دیوان در آرای شماره ۵۹ و ۵۴۱ مورخ ۷۷/۳/۲۳ و ۸۵/۷/۳۰ مقرراتی که به موجب آن‌ها، مرخصی بدون درخواست مستخدم و با تشخیص دستگاه متبوع مستخدم تجویز شده بود را ابطال کرده و با توجه به این‌که مطابق بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است امکانات خود را برای رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی ایجاد کند، تبصره ۲ ماده ۵۸ آیین‌نامه استخدامی جهاد دانشگاهی به لحاظ مغایرت با بند ۹ و اصل سوم و به لحاظ ایجاد تبعیض در برخورداری از مرخصی استحقاقی از تاریخ تصویب ابطال می‌شود».^۱

بند دوم. حق بر استماع در رویه قضایی شعب دیوان عدالت اداری

شعبه ۹ بدوی دیوان در رسیدگی به پرونده به خواسته اعتراض به رأی صادره از هسته‌گزینش اظهار داشته است: «با عنایت به این‌که تصمیم و اعلام نظر هسته‌گزینش، مستلزم بررسی و تحقیق کافی در مورد سوابق افراد می‌باشد و رعایت ماده ۱۵ قانون گزینش از جمله قواعد آمره بوده و در ما نحن فیه ملاحظه می‌شود که رأی صادره حاوی نکات و موارد مصرّحه قانونی نبوده و دلیل و مدارک متقن و مستند محکمه‌پسندی که باعث عدم احراز شرایط شاکی در جهت ادامه فعالیت در اداره مذکور باشد، مشاهده نمی‌گردد و از طرفی، به اصول دادرسی عادلانه و منصفانه و اصل تناظر ادله و تساوی سلاح‌ها توجه نشده است، لذا شکایت را وارد تشخیص می‌دهد».^۲

۱. آگاه، وحید و محمدنبی بوبوری، «تضمین نسل دوم حقوق بشر در رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، مجله رأی، شماره ۲۱، ۱۳۹۶، ص ۴۵.

۲. آقای طوق، مسلم و سجاد مردانی، «استناد به اصول حقوقی در آرای دیوان عدالت اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق

بند سوم. اصل الزام به ارائه دلیل در رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

هیئت عمومی در دیوان عدالت اداری بر اساس دادنامه شماره ۱۸۷-۱۸۶ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ بیان می‌دارد: «طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱، حدود وظایف و اختیارات کمیسیون ماده ۵ قانون مزبور مشتمل بر بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آن‌ها و سایر امور مربوط تعیین و احصا شده است. بنابراین، تغییر کاربری قسمتی از ملکی که کلاً دارای کاربری فضای سبز بوده و تبدیل آن به ۷۰ درصد فضای سبز و ۳۰ درصد با کاربری مسکونی و خدماتی بدون تبیین علل و جهات قانونی این تغییر، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات کمیسیون مزبور تشخیص داده می‌شود و ابطال می‌گردد.» از این رأی هیئت عمومی چنین استنباط می‌شود که با وجود صلاحیت تخییری کمیسیون یادشده در تغییر و تصویب این طرح‌ها، این صلاحیت به منزله اختیار داشتن در اعمال هر نوع تغییر بلا دلیل و ناموجه نیست، بلکه این عمل حقوقی باید با تبیین علل و جهات قانونی همراه باشد.^۱

بند چهارم. اصل تناسب در رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

به اصل تناسب در دادنامه شماره ۵۰۴ و ۵۰۳ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به روشنی توجه شده است. برای احتساب میزان سنوات تعهد به خدمت در مناطق محروم از سوی دانش‌آموختگان پزشکی، دو قانون وجود داشت. قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان و قانون اختصاص سهمیه به بانوان در دوره تخصصی دستیاری، مصوب ۱۳۷۲. به موجب قانون نخست، مدت تعهد به خدمت در مناطق محروم، معادل سنوات تحصیل یعنی ۴ سال است و به موجب قانون دیگر، این مدت به صلاحدید وزارت بهداشت تا مدت ۱۲ سال است. وزارت بهداشت به استناد قانون دوم، مدتی طولانی را به عنوان خدمت تعهدشده مقرر کرد. دیوان عدالت اداری در رسیدگی خود با استناد به اصل تناسب، مدت زمان مقرر در مصوبه وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی را نامتناسب دانست و ابطال کرد.^۲

۱. اداری، سال سوم، شماره ۶، ۱۴۰۱، ص ۱۷۱.

۲. رضایی‌زاده و عطریان، پیشین، ص ۹۹.

۳. خواجه‌وند، مظاهر و همکاران، «تأملی بر شاخص‌های اداره خوب در رویه قضایی دیوان عدالت اداری»، پژوهش‌های نوین

بند پنجم. بهره‌مندی از خدمات عمومی در رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۱۱۷۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲ که در مقام تعارض آرای صادرشده میان شعب دیوان صادر گردیده، اظهار داشته است: «مطابق ماده ۴۵ قانون ثبت احوال اصلاحی مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ مقرر شده: «هرگاه هویت و تابعیت افراد مورد تردید واقع گردد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارائه نشود، مراتب برای اثبات هویت به مراجع انتظامی و برای اثبات تابعیت به شورای تأمین شهرستان ارجاع و در صورت تأیید، طبق مقررات اقدام خواهد شد»، نظر به این‌که تا زمانی که تابعیت ایرانی شخص دارای شناس‌نامه ایرانی از طریق مراجع قانونی لغو نشده و یا شناس‌نامه از طرق قانونی ابطال نشده است، سلب حقوق قانونی ناشی از سند رسمی شناس‌نامه و عدم ارائه خدمات و به دنبال آن، محرومیت از حقوق اجتماعی فاقد مبنای قانونی است و ماده ۴۵ قانون مذکور و دیگر مقررات قانونی بر منع بهره‌مندی افراد از خدمات سجلی دلالتی ندارد، بنابراین، رأی شماره ۱۳۹۸/۱۱/۵.۹۸۰۹۹۷۰۹۵۹۳۰۴۵۶۷ شعبه ۲۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که در مقام تأیید رأی شماره ۱۳۹۸/۵/۶.۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۶۰۰۷۵۹ شعبه ۳۷ بدوی دیوان عدالت اداری مبنی بر وارد دانستن شکایت و الزام به ارائه خدمات سجلی صادر شده، صحیح و موافق مقررات است».

نتیجه‌گیری

در حالی که حقوق بشر در حال گسترش است، منابع قدرت و توان‌مندی‌های دولت‌ها در حال محدود شدن است. رژیم سنتی حقوق بشر بر مسئولیت دولت در خصوص اعمال حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن و حمایت از شهروندان تأکید دارد. بنابراین، فرض بر این است که دولت، توان‌مندی و قدرت کافی برای انجام این کار را دارد. مدافعان سرسخت حقوق بشر نیز اظهار می‌کنند که تحقق حقوق بشر مستلزم اجرای کامل تمام همه حقوق بشر است، اما توانایی و منابع دولت‌ها با هم تفاوت دارد و اجرای کامل همه حقوق بشر به ویژه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تمامی دولت‌ها امکان‌پذیر نیست. در واقع، عواملی که موجب تفاوت وضعیت کشورها می‌شوند، بر میزان تحقق حقوق بشر نیز اثر می‌گذارند.

ساختار حکومت، مبنا و خط مشی تمامی قواعد و قوانین یک کشور را تعیین می‌کند و از مهم‌ترین

عوامل اجرای حقوق بشر است. اگر حکومت دارای مشروعیت باشد، رضایت، عنصر بعدی تأثیرگذار در تحقق حقوق بشر مطرح می‌شود. رضایت کشورها در نحوه اعمال حکومت و به شکل دموکراسی تجلی می‌یابد. حقوق بشر و دموکراسی به طور مستقیم با یکدیگر ارتباط دارند. در جوامع دموکراتیک، محدودیت‌ها برای تضمین حقوق انسان‌ها به حداقل کاهش می‌یابد و شفافیت و مسئولیت‌پذیری نظام‌ها برای پاسخ‌گویی به مردم بیش‌تر می‌شود. دموکراسی‌های قوی و پایدار به اجرای حقوق بشر اهمیت بسیاری می‌دهند و مردم از حداکثر حقوق خود بهره‌مند می‌شوند.

در این میان، مباحث مربوط به حقوق بشر و ارتباط آن با حقوق اداری بسیار اهمیت دارد؛ چون بحث حقوق اداری، حقوقی است ذاتاً نابرابر و دولت و سازمان‌های وابسته به آن از قدرت اجرایی بالایی برخوردارند. در این میان، حقوق بشر اداری به عنوان یکی از مباحث مهم و اساسی امروزه مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری در حوزه حقوق اداری، حق بر اداره خوب است که دارای شاخص‌هایی است از جمله: اصل برابری، اصل الزام به ارائه دلیل، اصل تناسب و در نهایت، اصل تناظر یا استماع در دادرسی اداری. چون در ایران، قانون عام اداری مانند قانون مدنی یا قانون تجارت وجود ندارد، رویه قضایی در شناسایی اصول و حقوق بشر اداری نقش مهمی دارد. در حقوق ایران، دیوان عدالت اداری، عالی‌ترین مرجع قضایی در حوزه دادرسی اداری است که از طریق رویه‌سازی در توسعه و تدوین حقوق بشر اداری نقش‌آفرینی می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. دگویر، استفانی و همکاران، *حقی حق داشتن*، ترجمه: حسین پیران، تهران: فرهنگ نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۲. رستمی، ولی و همکاران، *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۳. مرادی برلیان، مهدی، *اصل تناسب در نظام حقوق اتحادیه اروپایی با نگاهی بر آرای دیوان عدالت اداری*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۳.
۴. هداوند، مهدی و علی مشهدی، *اصول حقوق اداری در پرتو آرای دیوان عدالت اداری همراه با مطالعه تطبیقی*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
۵. هداوند، مهدی و علی مشهدی، *اصول حقوق اداری*، تهران: خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.

ب) مقاله

۱. اسماعیلی، محسن و حسین امینی‌پژوه، «تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *دانش حقوق عمومی*، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۳۹۵.
۲. اصفهانی، بابک و صابر نیاورانی، «کاربست اصل تناسب در حقوق عمومی، ابزار و سنجه نظارتی در پیش‌گیری از فساد اداری و مبارزه با آن»، *فصل‌نامه حقوق اداری*، سال دهم، شماره ۳۳، ۱۴۰۱.
۳. آقایی طوق، مسلم و سجاد مردانی، «استناد به اصول حقوقی در آرای دیوان عدالت اداری»، *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، سال سوم، شماره ۶، ۱۴۰۱.
۴. اقبالی، کیوان، «نقش دستگاه در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها»، *مجله*

- حقوقی دادگستری، دوره هشتاد و پنجم، شماره ۱۱۴، ۱۴۰۰.
۵. آگاه، وحید و محمدنبی بوبوری، «تضمین نسل دوم حقوق بشر در رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، مجله رأی، شماره ۲۱، ۱۳۹۶.
۶. امامی، محمد و حمید شاکری، «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۷. بستانی، محمدحسین و اسدالله یاوری، «بایسته‌های دولت کارآمد؛ مطالعه موردی دولت لیبرال مدرن»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار ۱۴۰۲.
۸. تاروی‌وردی، صادق و علی‌محمد فلاح‌زاده، «نقش رویه قضایی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در توسعه اصول حقوق اداری از منظر حقوق بشر»، حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۹.
۹. جلالی، محمد و مریم کریم جوزانی، «صلاحیت تشخیصی و کنترل‌پذیری آن در حقوق اداری (از منظر حقوق بنیادین و اقتضائات دولت مدرن)»، در: تکاپوی حقوق عمومی، تهران: جنگل، ۱۳۹۳.
۱۰. جمشیدی، علی‌رضا و آرین پتفت، «حقوق شهروندی در پرتو آیین‌های نوین اداری»، اخلاق زیستی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۵.
۱۱. حقیقی، حسن و همکاران، «تأثیر موازن حقوق بشر بر فرآیند رسیدگی قضایی با تأکید بر نظام حقوقی انگلستان و استرالیا»، مطالعات حقوق عمومی، انتشار آن‌لاین، ۱۴۰۱.
۱۲. حمیدی، علی و حسین آل‌کجباف، «راهکارهای تقویت نظارت دیوان عدالت اداری و تأثیر آن بر حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره ۲۲، ۱۴۰۰.
۱۳. خسروی، حسن و محمدجواد حسینی، «سرآغازی بر حقوق بشر اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۹.
۱۴. خواجهوند، مظاهر و همکاران، «تأملی بر شاخص‌های اداره خوب در رویه قضایی دیوان عدالت اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۴۰۱.
۱۵. دانلی، جک، «حقوق بشر، دموکراسی و توسعه»، ترجمه: نورمحمد نوروزی و سیروس فیضی، راهبرد، شماره ۴۴، ۱۳۸۶.

۱۶. رحمانی، زهره، «مطالعه تطبیقی حق اداره خوب در کد اروپایی رفتار خوب اداری و نظام حقوقی ایران با تأکید بر دواصل قانونی بودن و تناسب»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۹.
۱۷. رحیمی، رؤف، «مسئولیت دولت و بخش خصوصی در قبال حقوق بشر»، فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۵۹، ۱۳۹۷.
۱۸. رضایی‌زاده، محمدجواد و فرامرز عطریان، «اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا»، دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳.
۱۹. سلیمی ترکمانی، حجت، «حق بر اداره مطلوب از منظر منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و منشور حقوق شهروندی ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دهم، شماره ۱، ۱۳۹۸.
۲۰. سلیمی، صادق و جبار عیسیاییان، «هم‌گرایی موازین حقوق بشری ملی و بین‌المللی در پرتو آرای دادگاه‌های ملی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و سوم، شماره ۳، ۱۴۰۲.
۲۱. عارفی، مرتضی، «تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در حوزه پیش‌گیری اجتماعی از جرم»، دانش سیاسی، سال هفدهم، شماره ۲۳، ۱۴۰۰.
۲۲. عطریان، فرامرز، «تحقق حق دفاع در پرتو مفهوم اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۲۳. فلاح‌زاده، علی محمد، «تحولات حق استماع در حقوق اداری ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۲.
۲۴. مولایی، یوسف، «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره پنجاه و ششم، ۱۳۸۱.
۲۵. نجارزاده هنجنی، مجید، «تحلیل خدمات عمومی از منظر حقوق بشر؛ حق بهره‌مندی از خدمات عمومی»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال هشتم، شماره ۲۷، ۱۴۰۰.
۲۶. همتی، مجتبی، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۹۵.
۲۷. ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، نشریه حقوق اساسی، تهران، شماره ۲، ۱۳۸۳.

ج) آرای وحدت رویه

۱. دادنامه شماره ۱۱۷۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
۲. دادنامه شماره ۱۸۷-۱۸۶ مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
۳. دادنامه شماره ۴۳۰-۴۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
۴. دادنامه شماره ۵۰۴ و ۵۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۶/۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

2. Latin Source

1. Bruce E. Moon & William j. Dixon, "Basic Needs and Growth – Welfare Trade-offs", *International Studies Quarterly*, 36,2: 191–212, June, 1992.
2. Clunan, Anne L., "Redefining Sovereignty: Humanitarianism's Challenge to Sovereign Immunity", in *Negotiating Sovereignty and Human Rights*, (eds) Noha, Shawki, & Michaelene, Cox, Ashgate, 2009.
3. Fierro, Ana, *Administrative Burdens in Access to Justice, the Case of the Mexican Administrative Courts*, UNISANTA Law and Social Science, Vol. 12, N. 1, 2023.
4. Klara ka, Nska, *Towards Administrative Human Rights in the EU. Impact of the Charter of Fundamental Rights*, *European Law Journal*, Volume 10, Issue 3, 2004.
5. Tina, Sever, *Procedural safeguards under the European convention on human rights in public (administrative) law matters*, *European Association Comenius (EACO)*, 2018.
6. Conway Henderson, *Population Pressures and Political Repression*, 74 Soc. Su. Q. 322.
7. landman, Todd, *The Scope of Human Rights: From Background Concepts to Indicators*, Human Rights Centre. March. Colchester, Uk, 2005.
8. Mendes, Joana, "Good administration in EU law and the European Code of Good Administrative Behaviour", 2009.

The Human Rights Commitment Index of States regarding the Right to Good Administration

Sara Rasouli¹

Iraj Rezaeenezhad²

Abstract

The concept of obligation in contemporary human rights discourse is defined as obligation of result and obligation of conduct. In the most important international instruments, including the International Covenant on Civil and Political Rights and the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, governments are the main responsible of realizing human rights, through legislation, providing a suitable platform for implementation, predicting an effective implementation mechanism, and ... are considered. Other human rights instruments also have obligation oriented literature towards governments. The approach of human rights activists is also focused on the fact that the responsibility for observing human rights or violating them lies with governments. Because these governments have the most tools and facilities to prevent human rights violations as well as support and realize them. However, the international community wants all governments to observe and respect human rights despite differences in the government system and respect for their independence. In the field of administrative law, due to the fact that the authorities and administrative bodies have many powers and competencies, the human rights obligations of governments become more important. The research method in this study is descriptive-analytical, and we are looking for an answer to the question that governments are obliged to follow in the field of administrative human rights.

Keywords: human rights, obligations of state, administrative rights, administrative human rights, right to good administration

1. Ph.D. Student in General International Law, Islamic Azad University of Qaemshahr, Mazandaran, Iran, s.rasouli@yahoo.com

2. Assistant Prof, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University of Chalous, Mazandaran, Iran (Corresponding Author). irajrezaeenezhad@gmail.com